

تمدن هندی یکی از کهن ترین تمدن های دنیاست. ادبیات امروز هند ریشه در گذشته پرنشیب و فراز این کشور دارد. به طور کلی چهار دگرگونی بزرگ در تاریخ فرهنگی هند به چشم می خورد. نخستین تحول با تهاجم آریایی ها به این کشور آغاز شد و با ترکیب قبایل محلی و آریایی ها ساختمان فرهنگی «هندو» به وجود آمد و فرهنگ اصلی هند را تشکیل داد. اولین گواه این ادعا کارهای ادبی در «وداها» است. واژه «ودا» به معنای دانش است و در اصطلاح به آن کتاب دانش نیز می گویند.

«وداها» نخستین اندیشه بکر انسانی بودند که بیشتر جنبه ادبی داشتند. بعدها وداها را بر روی برگهای درخت «یوجا» نوشتند. تحول دوم در داخل کشور هندوستان با سخنرانی های گائوتاما بودا و ماهاویرا بنیانگذاران بودیسم و جینی ایسم ایجاد شد. آنها در واقع به بازسازی فرهنگ هند پرداختند و دورنمای تازه ای به فلسفه هندیان دادند.

دگرگونی سوم با ورود مذهب اسلام به این کشور پدید آمد. اندیشه های اسلامی در تماس با هندوئیسم تغییراتی در افکار اجتماعی ایجاد کرد. به طور کامل آنها را به هم ریخت و در نتیجه افکار روشنفکرانه و نوی در این کشور به وجود آورد.

و سرانجام با ورود عقاید اروپایی و نفوذ افکار فرانسوی و انگلیسی و به ویژه تأثیر لیبرالیسم بر فرهنگ هند تحول چهارم نیز به وقوع پیوست.

به طور کلی در هندوستان بین نژادهای گوناگون اختلافات فراوانی به چشم می خورد. برای نمونه بین یک «کشمیری» در شمال و یک

«کرالیت» در جنوب چه از نظر ظاهری و چه از نظر فکری تضادهای بسیاری وجود دارد. و این مسأله از اصول نژادی آنها سرچشمه می گیرد. اما با این وجود هنوز نقطه مشترکی میانشان وجود دارد.

دیدن «بنگالی ها» در شرق؛ «ماهارا شاتریا» و «کوجارا تیاها» در غرب؛ «پنجابی ها» و «سندی ها» در شمال؛ «آسامی ها» در شمال شرقی؛ «تامالی ها» و «کنادیاها» در جنوب؛ که ویژگی های تمدن کهن خود را با تمام نیک و بد هایش حفظ کرده اند، به راستی شگفت آور است. آنها در تمام این سالها با همان میراث ملی گذشته هند زندگی کرده اند. جواهر لعل نهرو نخستین نخست وزیر هندیان نوشت:

«رؤیای اتحاد از طلوع تمدن ذهن هند را مشغول کرده است ...

و احتمالاً این تصور از خارج تحمیل نشده است ...

متحدالشکل کردن ظواهر یا حتی عقاید ...»

ابعاد جغرافیایی کشور هند شامل چندین مدار می شود. فقط در کوههای هیمالیا در شمال هند شانزده زبان و هزار و ششصد و پنجاه و دو لهجه توسط قانون اساسی هند به رسمیت شناخته شده است. ولی در میان این همه اختلاف میراثی مشترک به چشم می خورد. و آن خویشاوندی نزدیکی است که همه آنها با هنر و ادبیات دارند. درست مثل درخت انجیر، آنها از ریشه ای مشترک تغذیه می کنند هر چند که شاخه های آن به ظاهر از هم دور و مستقلند.

ردپای ادبیات کودکان در هند در سده های گذشته نیز به چشم می خورد. اما تاریخ رشد ادبیات کودکان به عنوان واحدی مستقل در ادبیات پدید آمده نوری است. دورنمای پیشرفت این شاخه از ادبیات در ابعاد

مروری بر

تاریخچه

ادبیات کودک و

نوجوان در هند

ترجمه: پوپک نیک طلب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بزرگ و کوچک و در زبانهای نواحی مختلف جلوه گر است. ریشه های ادبیات کودکان در هند را می توان، در ترانه های عامیانه، حکایت ها، افسانه ها و داستانها صدها سال پیش جستجو کرد.

به تدریج ادبیات داستانی رشد کرد. قصه های عامیانه با اینکه در ظاهر از نظر مکان و شخصیت ها با یکدیگر متفاوتند، اما ارزش های یکسانی را دربر گرفته اند.

نوشته های ادبی چون «پنج تنتره»^(۱) توسط پشنو شارما؛ «کتا سریت ساگره» یا اقیانوس رودهای داستان، سامدو، «بیرهاتکانا»، «مانجاری» توسط کشی مندرا آفریده شد. این داستانها دارای مفاهیم تربیتی هستند و جاذبه جهانی دارند. بسیاری از آنها تا نقاط دور دست راه پیدا کرده و با گویش های محلی هماهنگ شده و به صورت قصه های عامیانه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته اند.

این نوشته های ادبی ابتدا سال ۲۰۰ ق. م. به زبان سانسکریت نوشته شده بود. اما بعدها بر اساس سلیقه های نواحی مختلف تغییراتی پیدا کرده و در واقع به عنوان عاملی پیوند دهنده، پایه های فرهنگ هند را محکم کردند.

ادبیات باستانی به این شکل ادامه پیدا کرد و کم کم داستانها به صورت قسمت اصلی مراسم و اعیاد مذهبی درآمد. به این ترتیب ادبیات نوشتاری در اجتماعات شرقی ظاهر شد.

امروزه ما می بینیم که چگونه مردم در مکانی گردهم می آیند تا از دیدن یک نمایش مذهبی لذت ببرند. در حقیقت قصه گوی این داستانها، بازگو کننده فرهنگ تمدنی بزرگ است. او ممکن است یک واعظ باشد

و یا پدر بزرگی که در مراسم عید سخن می گوید. و یا یک راوی در نمایشنامه ای که «ساتراتهارت» نامیده می شود.

اوج ادبیات باستانی - دو اثر «رامایان» نوشته بالمیکی و «مهابهاراتا» نوشته ویاز است که درست مانند ادبیات عامیانه به تمام زبانهای گوناگون هندی بازگو شده اند.

رامایان (در واقع شکلی از رام است) حاکمی ایده آل با وظایف و فضایل انسانی و مهابهاراتا نمادی از مردم است و در واقع ابراز عقیده غیر شخصی و تجسم ذهنیت یک ملت است.

این دو داستان از ادبیات باستانی ذهن کودکان و حتی بزرگسالان را به خود مشغول کرده است.

این دو اثر در میان فرهنگ هند مثل یک شایعه بر زبانهای مردم جاری است. زبانهای مختلف را با هم پیوند داده و افکار مذهبی را نیز دربر گرفته است.

فریبندگی این دو داستان به حدی است که تا امروز نیز فکر نویسندگان خلاق هند را تحت تأثیر خود قرار داده است. البته همراه با ادبیات عامیانه، پیشینه تاریخی هند نیز بر روش زندگی هندیان تأثیر گذاشته است. کشور هند در طول تاریخ به گونه ای تدریجی و پی در پی مورد تاخت و تاز قرار گرفته است. و در نتیجه فرهنگ بیگانه میراث فرهنگی آن کشور را تحت تأثیر قرار داده و گاه آن چنان با آن آمیخته که جزئی از فرهنگ هند به شمار می آید.

نقاشی های زیبا با رنگهای طبیعی و آب طلا، خطوط قدیمی، نقاشی هایی که بر دیوار غارها کشیده شده، کتیبه های قدیمی، قصه ها و



حکایات اساطیر تاریخی، پادشاهان و وزیرانشان که نوشته و گفته شده، داستانهای «ویرکام قادیکیا» که در قرن چهارم حکمرانی می کرده، و «سینگ حسن بالتیسی» در سی و دو داستان سحرآمیز، انسانهایی که جرأت کردند تا بر روی تخت «دکرماندتی» بنشینند و ... هنوز هم برای خوانندگان جوانشان نشاط انگیز است.

با آمدن مسلمانان به هند، زبان فارسی نیز در این منطقه گسترش یافت. آنان همراه خود کتابهای کوچک شعر به زبان فارسی و عربی آوردند. این امر زمینه را برای رشد ادبیات کودکان در هند - به زبان اردو - آماده کرد.

امیر خسرو دهلوی (۱۲۳۵ - ۱۳۲۵) اشعاری به صورت معما برای بچه ها سرود. «حالج باری» کتاب کوچکی است که در آن انواع اوزان مختلف شعری دیده می شود. این کتاب مفاهیم هندی را در لغات مشکل فارسی مورد استفاده متبلور کرده است. «تهلیان» معماهایی هستند که به زبان محاوره ای سروده شده اند. در حقیقت آنها ترکیبی از زبان فارسی و لهجه محلی مناطق هندی زبان می باشند.

اینها نشانه ای از شروع نوشتن ادبیات کودکان برای بچه ها بود. به این ترتیب زبان اردو زمینه را آماده کرد تا ادبیات کودکان در کارهای ادبی هند پذیرفته شود - به ویژه در قسمت شمال این کشور - و این گونه بود که فرهنگ اسلام، موجودیت فرهنگ هندوستان را پایه ریزی کرد.

با تأسیس چاپخانه هند - به سال ۱۸۱۱ میلادی - ادبیات نیز تحول یافت. در این زمان مطالب با انگیزه بیشتری نوشته شد و مجلات زیادی مثل «بالاک بانداهو» در سال ۱۸۰۸ در بنگال، «بالساکها»، «شیشو» «دیگیارتمی» و «بالمیترا»، برای کودکان منتشر شد.

در همین زمان انتشار ادبیات انگلیسی، کودکان هند را با ادبیات قدیم مغرب زمین آشنا کرد. با داستانهایی مثل «رابینسون کروزوئه» و «آلیس در سرزمین عجایب» به تدریج ادبیات کودکان غربی به سوی هند سرازیر شد. این داستانها به تمام زبانهای هندی ترجمه شدند.

در سده بیستم که هویت فردی کودک و نیازهای ویژه او و اهمیت خواندن داستان برای آرامش کودک شناخته شد، پیشرفت ادبیات کودکان نیز بیشتر شد. بزرگانی چون رابیند رانات تاگور در بنگال، پراچاند در هند «هاری کراشتارامل» در ماراتی، «سابارامانی باهارتمی» در تامیل، داستانها و اشعار زیادی برای کودکان نوشتند.

البته امروزه کارهای آنان جزو ادبیات کلاسیک برای کودکان به شمار می آید. در آغاز قرن بیستم همراه با مبارزات آزادیخواهانه و با کشیده شدن نزاع به میان توده ها، ادبیات کودکان نیز با احساسات ملی دگرگون شد.

زمانی که هند در سال ۱۹۴۷ میلادی به استقلال دست یافت، ادبیات کودکان نیز به بلوغ خود رسید. به زودی مؤسسه هایی به ترویج کتابهایی مانند «حقیقت کتاب کودکان» و «ایمان کتاب ملی» پرداختند.

نویسندگان، ناشران و هنرمندان نیز با انتشار چنین کتابهایی - بویژه در زمینه کودکان - آنها را با میراث غنی و باستانی کشور هند آشنا کردند.

قسمت بزرگی از ادبیات کودکان در این زمان به گسترش غرور ملی، میراث فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، هند و معرفی مؤسسه های مذهبی و احترام گذاشتن به ارزشهای این مؤسسه ها پرداختند.

قوانین اخلاقی آنچنان در ذهن جامعه هند جای گرفته که بیشتر داستانها با نکته ای اخلاقی پایان می یابد. پس از قصه های عامیانه و ادبیات باستانی، شرح حال نویسی قسمت اصلی ادبیات کودکان را دربر می گیرد. مثل های تاریخی و افسانه ها نیز جایگاه خاصی دارند.

داستانهای پیربال، وزیر موفق مغول، اکبرشاه در شمال، یرناری لاما، وزیر شوخ طبع و باهوش از جنوب، سربازان بزرگی چون شیواجی، راما پراتاب، لاکس می بی بایس، ملکه جهان سی هم ذهن ناشران و هم

خوانندگان را در همه جای هند به خود مشغول کرده است.

ادبیات کودکان مشرق زمین تجددگرایی را در ادبیات کودکان پایه گذاری کرد. ایجاد ارتباط روانی با کودکان، گامهای دوران کودکی را به پیش راند و موجب تشویق کودکان شد. بر اساس نیاز کودکان کتابهای مختلفی در ابعاد متفاوت برای کودکان منتشر گشت. برای کتاب کودکان ویژگیهایی مثل توضیحات، طراحی، کاغذ و اندازه کتاب و ... در نظر گرفته شد.

در این میان انتشارات شانکار در سال ۱۹۵۷ کتابهای جذابی را برای کودکان منتشر کرد.

به تدریج کتابها با چهره ای جدید و تصاویری رنگی به چاپ رسید. در سال ۱۹۴۷ - ۱۹۴۶ نشر «سار سواتی» کلکته برای نخستین بار مجموعه کتابهای مصور را به زبان هندی منتشر کرد. نمونه هایی از آن

«کیترون مین لاریان» و «کیترون مین دارنیا» به زبانهای هندی و بنگالی هستند. سپس به ادبیات پیش دبستانی توجه بیشتری شد. از سوی انجمن ملی پژوهش تعلیم و تربیت - با علامت اختصاری NCEERT - نتایج یافته هایشان در جهت ارتقای مواد خواندنی پیش دبستانی متمرکز شد.

ناشران دهلی که از این مسأله آگاه بودند کتابهای مصوری را همراه با ترجمه هایی به زبانهای گونه گون هندی منتشر کردند.

تصویرگری کتاب کودک مثل نوشتن برای کودکان در موقعیتهای فرهنگی، یک هنر ویژه به شمار آمد. شخصیت های کتابهای کودک بر اساس اصول دانشگاهی و نیازهای رشدی آنها شکل گرفت و کودکان همه مناطق را به خود جذب کرد.

آثار ادبیات کودکان در غرب مثل «دیوید کاپرفیلد»، «تام سایر»، «سیندرلا» و «گولدی لاکس» برای خوانندگان جوان هندی هیچ جانشینی نداشتند. پس از استقلال، نوشتن به زبان انگلیسی به گونه یک هنر مستقل پیشرفت کرد. اگرچه تأکید بر روی عناوین هندی بود اما ناشران برجسته در ابتدا به انتشار کتاب به زبان انگلیسی پرداختند. بعداً

به کتابهایی که به زبانهای هندی ترجمه شده بود توجه شد. بنابراین ذوق و سلیقه های متفاوت محلی تا مرزهای فرهنگی پیش رفت. داستان «هری و فیل های دیگر» که در آن فیلهای جنوب بدون مانع و بدون اینکه لازم باشد تا خود را بشناسانند به وسیله شانکار^(۲) سفر می کنند، به راحتی در یادهای خوانندگان دیگر مناطق نقش بست و به سادگی

جایی برای خود باز کرد.

در ادبیات «واقع گرا» موضوعات جدید، پیرامون آموزش، روابط خانوادگی، بازی در مدرسه، قطار، موشکها، هواپیما و ماه متمرکز شد.

شعر با احساسات کودک عجین شد و با عوض شدن دنیای اطراف او وزن و قافیه جای ویژه ای پیدا کرد. در جامعه هند شعرهای قدیمی بیشتر با موسیقی آمیخته شد و به اشکال شعری و موضوعات جدید اهمیت داده شد. برخی از اشکال قدیمی شعر از رواج افتاد و این تغییرات به درک و فهم بیشتر کودک کمک کرد. مشکلات و مسائل کودکان در این اشعار مورد توجه قرار گرفت به موضوعاتی مثل شجاعت و رهبری،

بر اساس روان شناسی، مسائل اجتماعی و ماجراهای واقعی زندگی اهمیت داده شد.

داستانهای کوتاه و رمان به طرف واقع گرایی پیش رفت و قهرمانانی چون «مستر فنو فوکان» و «کازیرانکها» به تدریج در دنیای امروزی کودک جای خود را باز کردند. □

پانویس ها:

۱. این کتاب به فارسی با نام کلیله و دمنه ترجمه شده است.

۲. منظور انتشارات «شانکار» است.